

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه شهید باهنر کرمان

دانشکده حقوق و الهیات
بخش معارف اسلامی و حقوق

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق
گرایش جزا و جرم شناسی

راه های پیشگیری از اطاله دادرسی در امور کیفری

مؤلف :

سعیده شاهرخی

استاد راهنما :

دکتر علی عارفی مسکونی

استاد مشاور:

دکتر مجید شعبانی

دی ماه ۱۳۹۳



دانشگاه شهید بهشتی تهران

به نام خدا

اداره تحصیلات تکمیلی

این پایان نامه به عنوان یکی از شرایط احراز درجه کارشناسی ارشد به

بخش معارف اسلامی و حقوق

دانشکده حقوق و الهیات

تسلیم شده و هیچ گونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره مزبور شناخته نمی شود.

امضاء

نام و نام خانوادگی

دانشجو: سعیده شاهرخی

استاد راهنما: دکتر علی عارفی مسکونی

استاد مشاور: دکتر مجید شعبانی

داور ۱: دکتر محمود روح الامینی

داور ۲: دکتر محمد امینی زاده

نماینده تحصیلات تکمیلی دانشکده: خانم پروین نیک سرشت

معاون آموزشی، پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده: دکتر جلال میرزائی

حق چاپ محفوظ و مخصوص به دانشگاه شهید بهشتی تهران است.

(ج)

تقدیم به

روح پاک و آسمانی پدرم که همواره یادش در دلم نور امید به زندگی را می تاباند

و به مادرم سنگ صبوری که الفبای زندگی به من آموخت

و به همسرم که سایه مهربانیش سایه سار زندگی‌م می باشد، او که اسوه صبر و تحمل بوده و مشکلات مسیر را برایم

تسهیل نمود.

تقدیر و تشکر:

نخستین سپاس و ستایش از آن خداوندی است که بنده کوچکش را در دریای بیکران اندیشه، قطره ای ساخت تا وسعت آن را از دریچه اندیشه های ناب آموزگارانی بزرگ به تماشا نشیند. لذا اکنون که در سایه سار بنده نوازی هایش پایان نامه حاضر به انجام رسیده است، بر خود لازم می دانم تا مراتب سپاس را از بزرگوارانی به جا آورم که اگر دست یاریگرشان نبود، هرگز این پایان نامه به انجام نمی رسید.

ابتدا از استاد گران قدردم جناب آقای دکتر علی عارفی که زحمت راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشتند، کمال سپاس را دارم.

از استاد عالی قدردم جناب آقای دکتر مجید شعبانی که زحمت مشاوره این پایان نامه را متحمل شدند، صمیمانه تشکر می کنم.

چکیده:

تحقق بخشیدن به عدالت از مهم ترین اهداف یک دستگاه قضایی بشمار می رود. یکی از شاخص های ارزیابی تحقق عدالت، سرعت در احقاق حق می باشد. به عبارت بهتر احقاق حق در کم ترین زمان عادلانه تر از احقاق حق بعد از گذشت زمان کم و بیش طولانی است؛ زیرا طولانی شدن نامتعارف رسیدگی ها موجب از بین رفتن اثر بازدارندگی و ارعابی مجازات و هم چنین تجری افراد به ویژه مجرمین حرفه ای و یاس و ناامیدی مراجعین به دستگاه قضایی می گردد. آثار نامطلوب اطاله دادرسی موجب شده است که مسئله سرعت در دادرسی به عنوان اصلی ضروری در اسناد بین الملل نیز مورد توجه جدی قرار گیرد. در این راستا افزایش نیروی انسانی، جرم زدایی از برخی عناوین مجرمانه به منظور کاستن از حجم تورم کیفری و نیز واگذاری بخشی از رسیدگی ها به نهادهای خارج از صلاحیت های تام قضایی تحت مبانی سیاست قضازدایی و تشکیل پلیس قضایی به عنوان راهکارهای مؤثر تلقی می گردد.

کلید واژگان: اطاله دادرسی، پلیس قضایی، جرم زدایی، قضا زدایی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
بخش اول : اصلاح قوانین و ساختار تشکیلات قضایی	
۹	طرح بحث
۱۰	فصل اول : اصلاح قوانین
۱۱	مبحث اول : اصلاح شیوه قانون گذاری
۱۱.....	گفتار اول :هماهنگی بین مراجع قانون گذاری.....
۱۲.....	گفتار دوم: تراکم زدایی.....
۱۳	بند اول: جرم زدایی
۱۶	بند دوم : کیفر زدایی
۱۷	بند سوم : قضا زدایی
۲۰	گفتار سوم : صریح بودن متن قوانین
۲۱	گفتار چهارم : به روز شدن قوانین
۲۳	مبحث دوم: اصلاح قوانین شکلی
۲۳	گفتار اول : بررسی صحنه جرم.....
۲۴	گفتار دوم : قرار نظارت قضایی.....
۲۵.....	گفتار سوم : تجویز رسیدگی کردن بدون کیفر خواست
۲۵	گفتار چهارم :احضار.....
۲۷.....	گفتار پنجم : نیابت قضایی
۲۸.....	نتیجه گیری
۲۹	فصل دوم : اصلاح ساختار تشکیلات قضایی

- ۳۰ مبحث اول : توسعه کمی و کیفی امکانات و تجهیزات لازم
- ۳۰ گفتار اول : توسعه کمی و کیفی نیروی انسانی
- ۳۱ بند اول : افزایش تعداد قضات
- ۳۱ بند دوم : افزایش تعداد کارمندان اداری
- ۳۲ بند سوم :بالا بردن میزان تخصص قضات.....
- ۳۳ بند چهارم:آموزش ضمن خدمت قضات و کارمندان دفتری
- ۳۴ گفتار دوم : ایجاد فضای مناسب
- ۳۴ گفتار سوم : توجه به وضعیت معیشت و رفاه قضات
- ۳۵ گفتار چهارم : وجود ابزار و تجهیزات لازم و همچنین بهره برداری از فناوری پیشرفته
- ۳۶ گفتار پنجم: داشتن یک سمت.....
- ۳۷..... مبحث دوم : داشتن مدیریت و برنامه ریزی صحیح
- ۳۷ گفتار اول : تقویت و اصلاح نظارت و بازرسی
- ۳۸ گفتار دوم :تقسیم کار و تخصصی نمودن شعب.....
- ۳۹ گفتار سوم : عدم بروکراسی یا نامه نگاری
- ۳۹ گفتار چهارم : ارزشیابی دقیق و توجه به کیفیت احکام
- ۴۰ گفتار پنجم: مدیریت و بهره برداری صحیح از اوقات.....
- ۴۱ نتیجه گیری.....

بخش دوم : اصلاح مشکلات ناشی از نیروی انسانی

- ۴۳ طرح بحث
- ۴۴ فصل اول : اصلاح مشکلات مربوط به کارمندان دادگستری.....
- ۴۵ مبحث اول : قضات
- ۴۶..... گفتار اول :توجه به صلاحیت یا عدم صلاحیت خود
- ۴۶ گفتار دوم : تسلط کافی بر محتویات پرونده و محدودیت زمان مطالعه

- گفتار سوم : جلوگیری از غیبت قاضی در اوقات تعیین شده یا مرخصی ساعتی ۴۷
- گفتار چهارم: بالا بردن انگیزه در قضات ۴۷
- بند اول : وجود تبعیض و تضاد ۴۸
- بند دوم : ارزش قائل نشدن برای کارهای تحقیقاتی و مطالعاتی قضات ۴۸
- گفتار پنجم: دقت در صدور دستورات ۴۸
- مبحث دوم :کارمندان دفتر شعبه ۴۹
- گفتار اول: دقت در تحویل و ثبت لوایح، دادخواست های تجدید نظر و اعتراض ها و انجام امور مربوطه. ۴۹
- گفتار دوم : ایجاد ساختاری مناسب برای تعیین وقت رسیدگی ۵۰
- گفتار سوم : نظم در شیوه نگهداری از پرونده ۵۱
- گفتار چهارم : بکارگیری الفاظ خوانا و واضح برای مخاطب در ابلاغ ها و اخطاریه ها ۵۲
- گفتار پنجم : اجرای سریع و به موقع دستورات و ارسال نامه ها و پرونده ها ۵۲
- مبحث سوم: دیگر کارمندان اداری ۵۳
- گفتار اول : نظارت کافی بر عملکرد مأموران ابلاغ ۵۳
- گفتار دوم : مأمورین ابلاغ ثابت و آموزش دیده ۵۳
- گفتار سوم : منظم بودن رایگانی راکد ۵۴
- گفتار چهارم : پرداختن به وظایف اداری در وقت اداری ۵۵
- نتیجه گیری ۵۶
- فصل دوم : اصلاح مشکلات ناشی از اشخاص مرتبط با دادرسی.....** ۵۷
- مبحث اول : وکلاء و مشاوران حقوقی، اصحاب دعوی، گواهان ۵۸
- گفتار اول : وکلاء و مشاوران حقوقی ۵۸
- بند اول : حضور در جلسه دادرسی ۵۹
- بند دوم : خودداری نمودن از تأخیر انداختن جلسات دادرسی ۶۰
- بند سوم : عدم دخالت در امور خارج از حدود اختیارات تفویضی ۶۰

- گفتار دوم : اصحاب دعوی ۶۱
- بند اول : بالا بردن سطح آگاهی اصحاب دعوی از قوانین و اصول حقوقی ۶۱
- بند دوم : بالا بردن فرهنگ استفاده از وکیل و مشاور حقوقی ۶۲
- بند سوم : ممانعت از انتقال دعاوی به « شرخرها » ۶۲
- بند چهارم : اصلاح سایر مشکلات ناشی از طرف اصحاب دعوی ۶۳
- گفتار سوم : گواهان ۶۴
- بند اول : امتناع از ادای شهادت کذب ۶۵
- بند دوم : لزوم حضور گواه در دادگاه ۶۶
- بند سوم : ادای شهادت ۶۶
- بند چهارم : جلوگیری از مخفی کردن موارد جرح گواه ۶۷
- مبحث دوم : ضابطین دادگستری، کارشناسان، پزشکان قانونی ۶۷
- گفتار اول : ضابطین دادگستری ۶۷
- بند اول : اعتبار قانونی اقدامات ضابطین ۶۷
- بند دوم: آموزش کافی برای اجرای دستورات قضایی ۶۸
- بند سوم : عدم استفاده از سربازان وظیفه به عنوان مأمور تحقیق و انجام دستورات قضایی ۶۸
- بند چهارم : بازجویی صحیح و اصولی ۶۹
- بند پنجم : کشف علمی جرایم ۶۹
- گفتار دوم : کارشناسان ۷۰
- بند اول : تحویل به موقع نظرات کارشناسی ۷۱
- بند دوم : دقت به موضوع کارشناسی ۷۲
- بند سوم : ارائه نظرات صریح ۷۲
- بند چهارم : اعلام موارد کارشناسی و تغییر آدرس ۷۳
- بند پنجم : فوت، حجر، استنکاف، انفصال، تعلیق کارشناس ۷۳

۷۴ گفتار سوم : پزشکی قانونی
۷۴ بند اول : ارائه به موقع خدمات
۷۵ بند دوم : عدم نیاز به اعزام ارباب رجوع به مراکز خارج از سازمان پزشکی قانونی
۷۵ بند سوم : اعلام نظر قطعی و دقیق
۷۶ نتیجه گیری
۷۷ نتیجه گیری نهایی و پیشنهادات
۷۹ فهرست منابع

مقدمه

برقراری عدالت و رسیدن به توسعه قضایی آرمانی است که در همه جوامع برای دستیابی به آن تلاش هایی صورت گرفته است. هدف از وضع قوانین برقراری نظم عمومی، حفظ آرامش، امنیت و اجرای عدالت می باشد و قوه قضائیه نیز وظیفه تظلم خواهی را برعهده دارد مدیریت قضایی اش بایستی به گونه ای باشد که همه ی محاکم قضایی از سه اصل سهولت دسترسی و سرعت و دقت در رسیدگیهای قضایی برخوردار باشند. یکی از مهم ترین مشکلات سیستم قضایی و دادرسی کشور ما در حال حاضر اطاله دادرسی است. اطاله دادرسی در امور کیفری، فاصله بین اعمال کیفر و ارتکاب عمل مجرمانه را آنقدر زیاد می کند که اثر بازدارندگی مجازات را از بین می برد و رعب و ترس مجرمان را از عواقب اعمالشان کاهش می دهد. نتیجه چنین وضعی افزایش جرائم، ناامنی و زیاد شدن پرونده ها در مراجع قضایی و انتظامی خواهد بود.

«اطاله» یک لغت عربی است که ریشه آن طَوَلَ و مصدر باب افعال می باشد. اطاله در لغت به معنای طولانی شدن می باشد. در فرهنگ فارسی عمید، اطاله به معنای طول دادن و به درازا کشیدن تعریف شده و در فرهنگ علی اکبر دهخدا به معنی طول دادن چیزی، امتداد دادن و دراز کردن آمده است. با توجه به اسمی که در کنار آن قرار می گیرد، معنای دیگری می دهد. (دهخدا، ۱۳۷۹: ۲۴۲۹)

«دادرسی» واژه ای مرکب از دو کلمه «داد» و «رسی» است. داد دارای معانی متفاوت از قبیل دادن، فریاد، حق، عدل و قسط می باشد. در کتاب قاموس الفارسیه برای کلمه داد معانی العدل، الانصاف، الهبه، الاستغاثه، العطا، الصیاح و الصراخ ذکر شده است. (زارعی، ۱۳۹۰: ۶) «رسی» از ریشه رس به معنی رسیدن و رسیدگی کردن می باشد.

«دادرسی» در لغت به معنای قضا و محاکمه و عمل دادرسی است (دهخدا، همان: ۸۹۹۶) و همچنین به معنای رسیدگی کردن به داد و شکایت اشخاص و به داد کسی رسیدن یا به دادخواهی دادخواه رسیدگی کردن می باشد. (عمید، ۱۳۴۲: ۴۷۷)

در هیچ یک از کتب حقوقی برای واژه اطاله تعریف روشنی ارائه نشده است. تعریف اصطلاحی اطاله به تعریف لغوی آن بسیار نزدیک است که بسته به نوع کار مربوطه، تعریف خاص خود را پیدا می کند.

«اطاله» به معنی طول دادن و به درازا کشیدن زمان امری بیش از حد و اندازه متعارف و معمولی می باشد. اطاله و

تطویل، متضاد سرعت و تسریع و مترادف با کندی و بطیء به شمار می آید.

«دادرسی» از نظر حقوقی به دو تعریف موسع و مضیق به کاررفته است؛ دادرسی به مفهوم اعم، دایره شمول آن زیاد و دادرسی به مفهوم اخص که دایره شمول آن کمتر است. در ذیل به دو تعریف دادرسی به مفهوم اعم و دادرسی به مفهوم اخص می پردازیم.

«دادرسی به معنی اعم، رشته ای از علم حقوق که هدف آن تعیین قواعد راجع به تشکیلات قضایی، صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجرای تصمیمات دادگاه ها می باشد.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۲۷۳)

در تعریف دادرسی به معنای اعم، به دادرسی معمولی مختص نمی شود و انواع دادرسی اعم از معمولی و خاص را در بر می گیرد.

«دادرسی به معنی اخص، رسیدگی مرجع قضایی به دعوا یا امر مطروحه، یعنی ادعاها، ادله، استدلالات و خواسته خواهان، با لحاظ پاسخ خواننده در جهت صدور رأی قاطع می باشد.» (شمس، ۱۳۸۳: ۱۲۲) در تعریف دادرسی به مفهوم اعم اجرای احکام جزء دادرسی محسوب می شود ولی در این تعریف اجرای احکام از قلمروی دادرسی خارج شده است. دادرسی به معنای اخص معمولاً به دادرسی معمولی، اختصاص دارد و می تواند شامل مراحل مختلف مانند مرحله بدوی، مرحله واخواهی و مرحله تجدید نظر باشد و هر مرحله دادرسی به معنای اخص، می تواند دارای مقاطع مختلف مانند اولین جلسه دادرسی، ختم مذاکرات طرفین و ... باشد. (افشار نیا، مبین، ۱۳۸۸: ۱۶) با توجه به تعریف دادرسی به معنای اعم و اخص مشخص می شود که منظور ما از «دادرسی» در این تحقیق، دادرسی به معنای اخص است که دارای مقاطع و مراحل مختلف می باشد، از مقطع شروع دعوا آغاز و تا صدور رأی قطعی ادامه دارد و هر چه مراحل و مقاطع دادرسی بیش تر باشد، صدور رأی قطعی به تأخیر می افتد و دعوا دیرتر مختومه می شود.

«اطاله دادرسی» به معنی طولانی شدن نامعقول و نامتعارف جریان رسیدگی به پرونده ها در مراجع قضایی و یا هر آن چیزی که به صورت غیر طبیعی موجب شود دادرسی بیش از موعد مناسب خود به طول انجامد. (هدایتی، ۱۳۸۱:

۶) به بیان بهتر، اطاله دادرسی یعنی طولانی شدن نامتعارف فرایند رسیدگی به پرونده های قضایی در دادرسیها، دادگاهها و مراجع شبه قضایی از مرحله شروع دعوا تا صدور رأی قطعی.

اگر چه دادرسی به مفهوم اخص با صدور رأی قطعی خاتمه می یابد، اما در حال حاضر فاصله زمانی بین صدور رأی قطعی تا ابلاغ آن، در بیش تر موارد به طور نامعقولی به طول می انجامد، در نتیجه لازم است که تحت شمول تعریف اطاله دادرسی قرار گیرد. با این توضیحات، به طور خلاصه می توان گفت که اطاله دادرسی عبارت است از طولانی شدن غیر معقول زمان رسیدگی دادرسیها، دادگاهها و مراجع شبه قضایی به دعوا تا زمان ابلاغ رأی قطعی. چنین معنای از اطاله دادرسی دارای بار منفی است و صرفاً حاکی از اطاله دادرسی است که آثار منفی دارد. در نتیجه این اطاله، خواهان و خواننده مدت ها برای رسیدن به نتیجه، وقت و هزینه خود را صرف می کنند که گاه سال ها بطول می انجامد. این اطاله سبب انباشت پرونده ها می گردد. زیرا قضات نمی توانند پرونده های واصله را در مؤعد مقرر مختومه کنند؛ بنابر این به تدریج اوقات رسیدگی طولانی تر تعیین می گردد و این امر پس از مدتی به تراکم کار و پرونده ها در شعب می انجامد. این دقیقاً مشکلی است که در حال حاضر محاکم ما با آن مواجه اند. (دارائی، ۱۳۸۸: ۲۷)

گاهی اطاله دادرسی دارای آثار مثبت است. بدین معنا سبب اجرای دقیق تر عدالت و تأمین بهتر حقوق و منافع طرف های اختلاف می گردد. یکی از موارد اطاله دادرسی مفید، در آن دسته از دعاوی کیفری است که با گذشت شاکی، تمام یا بخشی از مجازات مورد بخشش قرار می گیرد. چنین حالتی به خصوص در پرونده های قتل بارز تر است. در اینگونه پرونده ها گذشت زمان موجب تسلی خاطر بازماندگان می شود و احتمال اینکه جانی را عفو نمایند بالا می رود. عموماً در این قبیل پرونده ها بازماندگان در ابتدای وقوع حادثه، بدلیل ضربه شدید روحی وارده، صرفاً بدنبال انتقام هستند و شارع مقدس نیز در آیه ۱۸۷ سوره بقره این حق را برای آنها به رسمیت شناخته است؛ اما در ادامه بر اولویت عفو تأکید می نماید. بنابراین شاید بتوان آنچه که مقدمه عفو می شود را امری مستحسن و نیکو دانست.

در کنار اطاله دادرسی مفید و مضر، می توان قسم دیگری را نیز متصور شد که در آن اطاله دادرسی اجتناب ناپذیر است. البته اطاله اجتناب ناپذیر گاه دارای اثر مثبت و گاه منفی می باشد. مثلاً در پرونده های قتل، اطاله دادرسی تا

حدی غیر قابل اجتناب است زیرا نفوس و دماء در شرع انور از اهمیت بالایی برخوردارند و لذا احتیاط فراوان در خصوص آنها بعمل می آید و از این رو لازم است تحقیق کافی بعمل آمده و تا زمانی که اطمینان از انتساب جنایت به متهم حاصل نشود، نمی توان حکمی صادر کرد. در چنین حالتی اطلاع دادرسی اجتناب ناپذیر است.

توقیف دادرسی، طواری دادرسی و تأخیر دادرسی که از وقایع قابل حدوث در چرخه دادرسی می باشند. ذکر این اصطلاحات برای مقایسه با مفهوم اطلاع دادرسی، در اینجا مناسب به نظر می رسد، هرچند که عدم دسترسی به موقع به آنها می تواند موجبات اطلاع دادرسی را فراهم آورد.

« توقیف » در لغت به معنای بازداشت کردن، در جایی واداشتن، از حرکت بازداشتن و ضبط کردن (عمید، همان : ۳۵۳) و در معنای اعم به معنای ممنوع کردن است. « توقیف دادرسی » را می توان از حرکت بازداشتن دادرسی دانست؛ بدین معنا که پس از شروع به دادرسی در مواردی که قانون تصریح می کند، مرجع رسیدگی می تواند برای مدتی دادرسی را از حرکت بازدارد. آنچه در حقوق ایران به طور کلی توقیف دادرسی خوانده می شود، در حقوق فرانسه با دو اصطلاح جداگانه « توقیف دادرسی » و « تعلیق دادرسی » شناخته می شود. (شمس، ۱۳۸۴: ۵۸). در هر حال باید به این نکته توجه داشته باشیم که پیش بینی توقیف دادرسی فقط برای مواقع ضروری و آنهم برای مدت زمانی معقول، می تواند از اطلاع دادرسی جلوگیری کرده و دادرسی را هر چه سریع تر به سر منزل مقصود برساند.

« طواری »، جمع مکسر از واژه طاری است؛ طاری صفت بوده و در لغت به معنای « ناگه در آینده و ناگاه روی آورنده » آمده است. (عمید، همان : ۳۵۳) عده ای از اساتید حقوق آن را معادل حواشی می دانند. معنای اصطلاحی طواری دادرسی از معنای لغوی آن چندان دور نیفتاده است. « طواری دادرسی » از نظر اصطلاحی به معنی حوادثی است که ممکن است در طول جریان دادرسی خارج از انتظار دادرس و یا اصحاب دعوا پیش آید. برخی از تعاریف اصطلاحی که نویسندگان حقوق برای این واژه آورده اند، بدین شرح است :

« گاهی در طی دادرسی، موانع و ایراداتی مطرح می شود که مانع از رسیدگی و قطع و فصل دعوا به روال معمولی می گردند. در این صورت دادرس و اصحاب دعوا باید آن موانع و ایرادات را از سر راه خود بردارند تا بتوانند به رسیدگی ادامه داده و دعوا را فیصله دهند این موانع و ایرادات را طواری دادرسی می گویند. » (صدر زاده افشار، ۱۳۸۲: ۳۱۹)

« طواری دادرسی به پدیده ای گفته می شود که معمولاً بی آنکه انتظار آن رود، در ارتباط با دادرسی در جریان آن ممکن است بروز نماید و معمولاً صدور رأی قاطع در دعوا موکول به تصمیم گیری نسبت به آنها می شود.» (شمس، ۱۳۸۴: ۱۰)

لازم به توضیح است که ایرادات و موانعی که از ناحیه طرفین پرونده در خلال دادرسی مطرح می گردند بسته به نوع و ماهیت دعوی «کیفری یا مدنی» متفاوت بوده و هر کدام تشریفات خاص خود را دارد. در جریان اکثر دادرسی ها طواری متعدد و گوناگون بروز می کند؛ مثلاً یکی از اصحاب دعوا دادرسی را رد می نماید، اصحاب دعوا یا یکی از آنها شخص ثالثی را به دادرسی جلب می نماید و ...

در این گونه موارد صدور رأی قاطع در دعوا موکول به این می شود که دادرسی به جهات رد رسیدگی نماید، نسبت به رسیدگی توأم دعوی جلب ثالث با دعوی اصلی یا تفکیک آن از دعوی اصلی تصمیم گیری نماید و ... اکثر این موارد اگر چه باعث تأخیر می شوند اما فراموش نشود که لازمه یک دادرسی عادلانه است و عدم تأخیر در اینگونه موارد باعث عدم اعتبار دادرسی می شود. البته، بایستی به این نکته هم اشاره نمود که این احتمال وجود دارد که در طول جریان دادرسی، هیچ یک از طواری دادرسی رخ ندهد.

«تأخیر» در لغت به معنای «دنبال انداختن، عقب انداختن، واپس انداختن و دیر کردن» می باشد. (عمید، همان: ۲۹۶) «تأخیر جلسه دادرسی» را می توان به معنای عقب انداختن جلسه دادرسی دانست. تأخیر جلسه دادرسی هنگامی حادث می شود که در جلسه مقرر، با وجود فراهم بودن مقدمات رسیدگی اما به علتی امکان عمل به دستور جلسه را نه جزئاً و نه کلاً وجود ندارد و بنابراین جلسه به تأخیر می افتد. بر اساس ماده ۹۹ ق. آ. د. م: «دادگاه می تواند جلسه دادرسی را به درخواست و رضایت اصحاب دعوا فقط برای یکبار به تأخیر بیاندازد». نکته ای که در اینجا حائز اهمیت است این است که تأخیر جلسه دادرسی باید با توافق طرفین باشد. بنابراین در خواست یک طرفه بدون رضایت طرف مقابل مجوز تأخیر جلسه دادرسی نیست. در بعضی از مواد این قانون، اصطلاح «تغییر وقت جلسه دادرسی» نیز در مفهوم «تأخیر جلسه» به کار رفته است.^۱ البته بهتر بود در تمام مواردی که، به هر علت، امکان عمل

۱- ماده ۱۳۲ ق. آ. د. م: «پس از وصول دادخواست ثالث وقت رسیدگی به دعوی اصلی به وی نیز اعلام می گردد و نسخه ای از دادخواست و ضمانت آن برای طرفین اصلی ارسال می شود. در صورت نبودن وقت کافی به دستور دادگاه وقت جلسه دادرسی تغییر و به اصحاب دعوا ابلاغ خواهد شد.»

به دستور جلسه وجود ندارد از اصطلاح تأخیر جلسه استفاده شود. در تأخیر جلسه دادرسی به جلسه ای که مؤخر است (جلسه مجدد) ، همان آثار جلسه اول مترتب است. برای مثال اگر اولین جلسه دادرسی با رضایت اصحاب دعوا به تأخیر افتد جلسه ای که بعداً تشکیل می شود همان جلسه اول است و نتیجه اینکه حقوقی که اصحاب دعوا در جلسه اول داشتند (مانند ایرادات) ، در این جلسه محفوظ است.

موارد تأخیر جلسه دادرسی عبارتند از : اقامه دعوی طاری (موضوع ماده ۱۷) ، علل منتسب به وکیل، علل منتسب به اصیل (موضوع ماده ۱۰۶) ، درخواست اصحاب دعوا یا هر یک از آنها (موضوع ماده ۹۹). باید تمهیدات لازم در قانون و اجرای آن اندیشیده شود که با رعایت اصول دادرسی عادلانه موارد تأخیر جلسه دادرسی به حداقل ممکن برسد تا تأخیرات بی رویه جلسات دادرسی به اطاله دادرسی نیانجامد.

پیشینه تحقیق :

اطاله دادرسی یک موضوع کاربردی است و مانند موضوعات علمی محض دارای پیشینه تاریخی نمی باشد. در سالهای اخیر اطاله دادرسی به عنوان یک بحران اجتماعی نظام قضایی کشور را به خود مشغول ساخته به نحوی که قوه قضاییه با انجام اقداماتی گامی مهم در جهت رفع این بحران برداشته است. در کنار اقدامات قوه قضاییه دکتربین حقوق، قضات مجرب و دانشجویان و پژوهشگران حقوق به این مهم توجه نموده و به صورت مستقیم و غیرمستقیم کتب، پایان نامه و مقالاتی را به رشته تحریر در آورده اند که می توانند در تسریع روند دادرسی مؤثر واقع شوند. از جمله منابع موجود کتابهای اطاله ادرسی و توسعه قضایی، علل اطاله دادرسی در نظام قضایی ایران، راهکارهای غلبه بر اطاله دادرسی، علل اطاله دادرسی و روش های جایگزین حل اختلاف و پایان نامه های علل اطاله دادرسی در محاکم استان فارس و رویکرد لایحه جدید قانون آیین دادرسی کیفری در زمینه اطاله دادرسی و مقالات بررسی علل اطاله دادرسی در محاکم جمهوری اسلامی ایران، نقش قضات در اطاله دادرسی می باشد که نگارنده در کار تحقیقی خود به نحو شایسته از آنها استفاده نموده است.

سوالات تحقیق:

سوالات اصلی-علل بروز اطاله دادرسی در امور کیفری چه می باشد؟

سوالات فرعی -چه راهکارهای برای پیشگیری از اطاله دادرسی وجود دارد؟

فرضیه های تحقیق:

- در روند رسیدگی به یک پرونده کیفری عوامل متعددی وجود دارند که موجب اطاله دادرسی می شوند. این عوامل گاه ناشی از خود دستگاه قضایی و عملکرد محاکم است و گاهی هم ناشی از قانون، ناآگاهی مراجعین و عدم همکاری و هماهنگی ضابطین و کارشناسان و... با دستگاه قضایی می باشد.

- راهکارهای که برای اطاله دادرسی وجود دارد را به سه دسته تقسیم می نمایم :

دسته نخست: اصلاح قوانین.

دسته دوم: اصلاح ساختارها.

دسته سوم: آموزش دادن به قضات، کارمندان اداری، وکلا، ضابطین دادگستری و شهروندان.

روش تحقیق:

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و ابزار تحقیق کتابخانه ای به صورت فیش برداری.

محتوای تحقیق و تقسیم بندی مطالب:

این پایان نامه در دو بخش و هر بخش آن دارای دو فصل می باشد.

بخش اول تحت عنوان اصلاح قوانین و ساختار دستگاه قضایی است و طی دو فصل به ترتیب به اصلاح قوانین و اصلاح ساختار دستگاه قضایی اختصاص یافته است و در بخش دوم اصلاح مشکلات ناشی از عوامل انسانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و این بخش نیز دارای دو فصل می باشد که به ترتیب فصل های آن اصلاح مشکلات مربوط به کارمندان دادگستری و اصلاح مشکلات ناشی از سایر اشخاص مرتبط با دادگستری اختصاص داده شده است.

بخش اول: اصلاح قوانین و ساختار دستگاه قضایی

طرح بحث

اطاله دادرسی محصور به زمان فعلی نیست بلکه تولدی همزمان با دادگستری داشته است. اطاله دادرسی امروزه یکی از مهم ترین مشکلات نظام قضایی ایران مطرح می باشد و سرعت در دادرسی از چنان اهمیتی برخوردار است که آن را یکی از اصول مسلم دادرسی دانسته اند؛ به گونه ای که توافق خلاف آن جز در موارد استثنایی ممنوع است.^۱ از آنجایی که تسریع در دادرسی به خصوص در امر کیفری یکی از مصادیق بارز دادرسی عادلانه است؛ لذا مستلزم این است که مورد توجه قانونگذاران در تدوین مقررات دادرسی کیفری قرار گیرند.

صرف نظر از آثار زیان بار اطاله دادرسی بر اصحاب دعوا و بیت المال، مهم ترین آثار اطاله دادرسی، سلب اطمینان مردم از حاکمیت و قانون گریزی است. (دهقانی، ۱۳۹۰: ۱۷)

علل عدیده دور و نزدیک و مستقیم و غیر مستقیم تطویل دادرسی را دامن زده و آن را به معضلی انکارناپذیر تبدیل کرده است. همه نوع دعاوی، اعم از مدنی و کیفری، گرفتار این معضل بوده اند. مهم ترین عواملی را که میتوان در این زمینه برشمرد عبارت است از علل مربوط به قانون، علل مربوط به ساختار دستگاه قضایی، علل مربوط به نیروی انسانی. در این بخش اصلاح علل اطاله دادرسی ناشی از قوانین و ساختار تشکیلات قضایی طی دو فصل مجزا مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- ماده ۹۹ ق.آ.د.م مقرر می دارد: «دادگاه میتواند جلسه دادرسی را به درخواست و رضایت اصحاب دعوا فقط برای یک بار به تأخیر اندازد.»